



ORIGINAL RESEARCH PAPER (Marine Science)

Study of the Convention on the Legal Status of the Caspian Sea: Jurisdiction of Coastal States in the Fishery Zone

Seyed Yaser Ziaee,¹ Mahdi Keykhosravi*²

¹ Associate Professor, International Law Department, University of Qom, Qom, Iran

² Ph.D. in International Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 2020/04/7

Revised: 2021/12/19

Accepted: 2021/05/15

Keywords:

Aktau Convention

Fishery Zone

Legislative Jurisdiction

Judicial Jurisdiction Enforcement

Jurisdiction

*Corresponding author:



mahdikeykhosravi@gmail.com

0000-0003-2638-0710

(+98)9199836675

ABSTRACT

Background and Theoretical Foundations: Concluding the "Convention on the Legal Status of the Caspian Sea" which is known as "Aktau Convention" in 2018, the Fishery Zone was recognized as one of the four regions of the sea. Regarding to the Convention's silence on many of the jurisdiction issues in the region, the purpose of the paper is determining the jurisdiction of the Caspian Sea coastal states in the light of international law.

Methodology: the present topic was done by descriptive-analytical method and in regard to gathering the mainly qualitative information of research using library method by investigating within the books, authoritative papers and related websites.

Findings: Studing Persian legal texts as well as international comparative studies shows that the present article has been innovative compared to the aforementioned articles in terms of the scope of jurisdiction and the time studied in the fishing area. In other words, the study of this article includes the "legislative", "judicial" and "executive" jurisdiction of the coastal states in the Caspian Sea in recent times and after the concluding the Aktau Convention.

Conclusion: The results of the paper shows that According to the international law, coastal states have Legislative, Judicial and Enforcement jurisdictions on some issues in the fishery zone widely and extending the mentioned regulations by the five coastal states to the Caspian Sea is the best way to solve future jurisdiction challenges.



NUMBER OF TABLES

0



NUMBER OF FIGURES

0



NUMBER OF REFERENCES

51

مقاله پژوهشی (علوم دریایی)

بررسی کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر: صلاحیت دولت‌های ساحلی در منطقه ماهیگیری

سید یاسر ضیایی^۱، مهدی کیخسروی^{۲*}^۱ دانشیار گروه حقوق بین الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران^۲ دانش آموخته دکتری حقوق بین الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران

اطلاعات مقاله

چکیده

پیشینه و مبانی نظری پژوهش: با انعقاد «کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر» موسوم به «کنوانسیون آکتائو» در سال ۲۰۱۸، منطقه ماهیگیری به عنوان یکی از مناطق چهارگانه این دریا به رسمیت شناخته شد. با عنایت به سکوت «کنوانسیون آکتائو» در رابطه با بسیاری از موضوع‌های صلاحیتی در این منطقه، هدف از مقاله حاضر تعیین صلاحیت دولت‌های ساحلی دریای خزر در پرتو مقررات حقوق بین‌الملل است.

روش‌شناسی: موضوع حاضر، با روش توصیفی-تحلیلی و با عنایت به گردآوری اطلاعات به طور عمده کیفی تحقیق به روش کتابخانه‌ای و به صورت استفاده از اسناد، کتاب‌ها، مقاله‌های معتبر و تارنماهای مرتبط با موضوع مورد کندوکاو قرار گرفته است.

یافته‌ها: بررسی متون حقوقی فارسی و نیز مطالعات تطبیقی بین‌المللی نشان می‌دهد که مقاله حاضر از جهت گستره موضوع‌های صلاحیتی و از جهت زمان مورد مطالعه در منطقه ماهیگیری، نسبت به مقالات پیش‌گفته دارای نوآوری بوده است. به عبارت دیگر، مطالعه این مقاله شامل صلاحیت‌های «تقنینی»، «قضایی» و «اجرایی» دولت‌های ساحلی در دریای خزر در دوران اخیر و پس از انعقاد کنوانسیون آکتائو می‌شود.

نتیجه‌گیری: نتایج این جستار نشان می‌دهد که مطابق مقررات حقوق بین‌الملل دولت‌های ساحلی در خصوص طیف گسترده‌ای از موضوع‌ها از صلاحیت‌های تقنینی، قضایی و اجرایی در منطقه ماهیگیری برخوردار هستند و تسری مقررات مزبور توسط ۵ دولت ساحلی به دریای خزر بهترین راهکار جهت حل و فصل چالش‌های صلاحیتی آتی هستند.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۱۹

تاریخ بازبینی: ۱۴۰۰/۹/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۲۵

واژگان کلیدی:

کنوانسیون آکتائو
منطقه ماهیگیری
صلاحیت تقنینی
صلاحیت قضایی
صلاحیت اجرایی

*نویسنده مسئول



mahdikeykhosravi@gmail.com

ID 0000-0003-2638-0710

مقدمه

«کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر»^۵ (از این به بعد «کنوانسیون آکتائو» خوانده می‌شود) به ثمر نشست [۲]. این اقدام گامی مهم در ایجاد یک ساختمان حقوقی به منظور تحدید حدود حوزه آبی و بستر دریای خزر^۷ و توسعه مقررات ناظر بر استفاده از

تا قبل از فروپاشی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی، رژیم حقوقی این دریا تابع مقررات دو کنوانسیون منعقد شده توسط دولت‌های ایران و شوروی یعنی «کنوانسیون مودت ۱۹۲۱»^۱ (از این به بعد «کنوانسیون ۱۹۲۱» خوانده می‌شود) و «کنوانسیون بازرگانی و ناوبری ۱۹۴۰»^۲ (از این به بعد «کنوانسیون ۱۹۴۰» خوانده می‌شود) بود. با فروپاشی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی در سال ۱۹۹۱ تعداد دولت‌های حاشیه دریای خزر از ۲ دولت به ۵ دولت^۳ افزایش یافت. با ظهور دولت‌های جدید، این مسئله مطرح گردید که تعهدات فی‌مابین ایران و شوروی سابق برای دولت‌های استقلال یافته بعد از تجزیه شوروی معتبر است یا خیر. یک نظر این بود که کنوانسیون‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ به این خاطر که میان ایران و شوروی سابق منعقد شده بود بعد از فروپاشی شوروی صرفاً از سوی ایران و روسیه معتبر است و سایر کشورهای استقلال یافته اعتبار آن را مورد تردید قرار دادند و همین امر سبب بروز ادعاهای یکجانبه از سوی کشورهای ساحلی شد. این استدلال بر مبنای نظام حقوقی حاکم بر جانشینی کشورها مطرح شده است که کشور جانشین (کشورهای مستقل بعد از تجزیه) را به مثابه لوح سفیدی می‌دانند که می‌تواند متعهد به تعهدات دولت پیشین (شوروی سابق) نباشد مگر این‌که تعهدات دولت پیشین را بپذیرد. به این ترتیب نظر دیگر حکایت از متعهد شدن کشورهای جانشین در صورت پذیرش تعهدات کشور پیشین دارد که این امر در سال ۱۹۹۱ به موجب اعلامیه‌ای معروف به اعلامیه آلمانی که میان جمهوری‌های مشترک المنافع و شوروی سابق منعقد شد، رقم خورد و در آن اعلامیه جانشینی بر معاهدات و قراردادهای پیشین اتحاد جماهیر شوروی سابق تأیید و تأکید شد [۱]. با وجود این، از یک سو دولت ایران از این واقعیت آگاه بود که رژیم فعلی دریای خزر جامع نبوده، نیازمند تکمیل است و از سوی دیگر علی‌رغم اذعان ظاهری، بعضی کشورهای ساحلی نظیر ترکمنستان، قزاقستان و آذربایجان در عمل پایبند به «کنوانسیون ۱۹۲۱» و «کنوانسیون ۱۹۴۰» نبودند. این عوامل به تدریج، منجر به بروز اختلافاتی میان دولت‌های ساحلی دریای خزر در مورد رژیم حقوقی دریای خزر گردید (بزدان‌پناه و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۳۵). به منظور برون‌رفت از این اختلافات و نیل به یک نظام حقوقی واحد، از سال ۱۹۹۱ تا سال ۲۰۱۸ مذاکرات دیپلماتیک متعددی صورت گرفت. نهایتاً پس از ۲۷ سال و برگزاری ۵ اجلاس در سطح روسای جمهوری، ۱۲ اجلاس در سطح وزرای امور خارجه و ۵۵ اجلاس در سطح «گروه ویژه کاری»^۴ رژیم حقوقی جدید دریای خزر در ۱۲ اوت ۲۰۱۸ در اجلاس آکتائو قزاقستان و از رهگذر انعقاد

۵. Convention on the Legal Status of the Caspian Sea

وزیر امور خارجه ایران (محمد جواد ظریف) در رابطه با «کنوانسیون آکتائو» بیان داشته است که خزر یک دریاچه است که طبیعتاً رژیم حقوقی آن خاص و ویژه خودش می‌باشد و با رژیم حقوقی دریاهای آزاد مندرج در کنوانسیون سال ۱۹۸۲ حقوق دریاهای نیز متفاوت است. ما و کشورهای ساحلی با الگو برداری از رژیم حقوقی سایر دریاچه‌ها و استفاده از مفاد کنوانسیون حقوقی دریاهای و تطابق آنها با وضعیت دریای خزر، یک رژیم حقوقی خاص و منحصر به فرد برای خزر تنظیم کرده ایم. در این کنوانسیون تصریح شده که همه مسایل حقوقی دریای خزر تنها با اتفاق نظر پنج کشور عملی و اجرایی بوده که این نکته بسیار مهم و اساسی است و کاملاً رژیم حقوقی این دریا را از کنوانسیون دریاهای جدا می‌کند. همچنین این کنوانسیون، رفت و آمد کشتی‌های نظامی خارجی را در این دریا کاملاً ممنوع می‌کند. این موضوع اهمیت بسیاری از لحاظ امنیت ملی کشورهای حاشیه خزر دارد. در کنوانسیون ذکر شده دریای سرزمینی مشخص و مناطق انحصاری ماهیگیری و رفت و آمد کشتی‌ها تعیین می‌شوند. در مجموع، این یک کنوانسیون بسیار با اهمیت است که ما را یک قدم به جلو می‌برد، اگر چه هنوز مسایل بسیار مهمی برای آینده باقی می‌مانند.

<https://www.isna.ir/news>

۶. تا زمان نگارش این مقاله به ترتیب دولت‌های ترکمنستان، قزاقستان و آذربایجان در دسامبر ۲۰۱۸، ژانویه و فوریه ۲۰۱۹ «کنوانسیون آکتائو» را به تصویب رسانده اند. دولت روسیه مطابق قانون اساسی خود در حال طی تشریفات تصویب کنوانسیون مزبور است و در مورد دولت ایران، علی‌رغم درخواست این دولت از مجلس، هنوز تشریفات تصویب آغاز نگردیده است.

<https://orient.tm/en/russia-begins-ratification-process-of-caspian-constitution/>

۷. نماینده وزارت امور خارجه ایران در امور خزر (رضا نظر آهاری) در رابطه با تحدید و حدود پهنه آبی خزر بیان داشته است که در پهنه‌های آبی ما با دو شکل از تقسیم روبه‌رو هستیم؛ یک تقسیم مربوط به سطح و ستون آب است و دیگری تقسیم مربوط به کف یا بستر و زیربستر آن که در واقع ادامه خشکی است. ترم حقوقی که مربوط به تقسیم‌بندی کف آب است با عنوان تحدید حدود بستر و زیربستر شناسایی می‌شود. این تحدید حدود مربوط به کشورهای مقابل یا مجاور در دریاست و قرار نیست با موافقت پنج کشور انجام شود. در کنوانسیون هم گفته شده که کشورها به صورت دوجانبه در زمینه تحدید حدود بستر و زیربستر با یکدیگر توافق خواهند کرد. پس در این خصوص ما باید با ترکمنستان و جمهوری آذربایجان به صورت جداگانه به توافق برسیم که برای استفاده از منافع و منابع اقتصادی بستر و زیربستر مرزها تا کجا تعیین شوند. در این راستا، مذاکرات دوجانبه مربوط به تحدید حدود بستر و زیربستر دریا میان ایران با ترکمنستان و جمهوری آذربایجان از سال‌ها قبل شروع شده است و رایزنی‌ها برای نیل به توافق نهایی با این دو کشور ادامه دارد. اما آن چیزی که مربوط به تقسیم سطح و ستون آب است، موضوع و اصطلاحات آن تغییر می‌کند. در اینجا باید خط مبدأ عادی یا مستقیم هر کشور در خزر ترسیم و مشخص شود. در این راستا کشورهای ساحلی در زمان امضای کنوانسیون تصمیم گرفتند یک موافقت‌نامه الحاقی به کنوانسیون در زمینه نحوه ترسیم خط مبدأ مستقیم تدوین کنند که مذاکرات آن در حال انجام است. خط مبدأ برای مشخص کردن تعیین مناطق چهارگانه سطح دریا به کار می‌رود. این مناطق بر حسب طول ساحل هر کشور و با عرض مشخص میان کشورهای ساحلی تقسیم خواهد شد. البته هر کشور ساحلی در هر کدام از این مناطق حاکمیت، حقوق حاکمه و صلاحیت‌های خاص خود را دارد که در کنوانسیون به آن اشاره شده است.

<https://www.irna.ir/news>

۱. Treaty of Friendship (1921)

۲. Treaty of Commerce and Navigation (1940)

۳. این پنج دولت عبارت‌اند از: ایران، روسیه، قزاقستان، ترکمنستان و آذربایجان

۴. Special Working Group

در منطقه را مشخص نماید. با توجه به جدید بودن انعقاد این کنوانسیون و فقدان آثار قابل توجه در رابطه با آن، بررسی این موضوع از اهمیت بسزایی برخوردار است. از این رو در جستار حاضر صلاحیت دولت‌های ساحلی دریای خزر منطقه ماهیگیری در پرتو مقررات حقوق بین‌الملل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پیشینه و مبانی نظری پژوهش

با عنایت به نوپا بودن «کنوانسیون آکتائو»، تا تاریخ نگارش این مقاله هیچ نوشتاری نه در فارسی و نه در انگلیسی به موضوع «بررسی کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر: صلاحیت دولت‌های ساحلی در منطقه ماهیگیری نپرداخته است». مطالعات صورت‌گرفته به طور عمده حول محور «کنوانسیون ۱۹۲۱» و «کنوانسیون ۱۹۴۰» است. نتایج حاصل از مطالعه Mamedov نشان می‌دهد که تا قبل از انقلاب اکتبر در سال ۱۹۱۷، صرفاً دولت شوروی از صلاحیت ماهیگیری در دریای خزر برخوردار بوده است. اما با انعقاد «کنوانسیون ۱۹۲۱»، این امتیاز انحصاری ملغی گردیده و دو طرف به موجب موافقتنامه‌های مشترک از حقوق برابر در زمینه ماهیگیری بهره‌مند شده‌اند. همچنین مطالعه ممتاز و میرزایی ینگجه نشان می‌دهد که دولت‌های ساحلی دریای خزر مطابق «کنوانسیون ۱۹۴۱» از صلاحیت انحصاری و صلاحیت غیر انحصاری در خصوص ماهیگیری در این دریا برخوردارند. براین اساس هر دولت ساحلی از حق انحصاری ماهیگیری در محدوده ۱۰ مایلی ساحل خود برخوردار است. در مقابل، ماهیگیری در سایر نقاط دریای خزر به طور غیرانحصاری بوده و برای هر دو دولت به رسمیت شناخته شده است. در واقع می‌توان اظهار داشت که ماهیگیری در منطقه انحصاری ماهیگیری و سایر قسمت‌های دریای خزر تابع دو نظام صلاحیتی مجزا است. میرفخرایی در مطالعه خود ضمن شناسایی حق ماهیگیری انحصاری در آب‌های ساحلی هر یک از دولت‌های ساحلی تا حد ۱۰ مایل دریایی و نیز غیرانحصاری بودن ماهیگیری در خارج از این محدوده در دریای خزر نتیجه می‌گیرد که حقوق ماهیگیری دو دولت شوروی و ایران نسبت به کل دریای خزر به صراحت به رسمیت شناخته شده است. مطالعه ساداتیان (۱۳۹۸) [۴] نشان می‌دهد که هر یک از طرفین ایران و شوروی مطابق «کنوانسیون ۱۹۴۱» این حق را برای خود محفوظ می‌دارند که واردات ماهی‌های صید شده از طرف کارکنان کشتی‌هایی که زیرپرچم او سیر می‌کنند، از تحقیقات و مزایای خاصی بهره‌مند باشند. در نهایت یزدان پناه و همکاران (۱۳۹۸) [۵] معتقدند که هر چند در «کنوانسیون ۱۹۲۱» و «کنوانسیون ۱۹۴۰»، محدوده ۱۰ مایلی انحصاری اقتصادی و نیز حقوق برابر در زمینه کشتیرانی برای طرفین ایران و شوروی به رسمیت شناخته شده است اما اقدامات ایران در زمینه کشتیرانی و ماهیگیری در دریای خزر بسیار محدود بوده و نداشتن امکانات فنی

نفت،^۱ گاز، ماهیگیری، دریانوردی و خطوط لوله است [۳]. هر چند «کنوانسیون آکتائو» به منظور اجرای موثرتر رژیم حقوقی دریای خزر و به تبع آن تضمین امنیت و ثبات در دریای مزبور، این پهنه دریایی مشترک را به مناطق دریایی مختلف از جمله منطقه ماهیگیری^۲ تقسیم نموده و اختیاراتی را به دولت‌های ساحلی خزر تفویض نموده است، اما کنکاش در مفاد این کنوانسیون حاکی از آن است که در خصوص بسیاری از موضوع‌های «صلاحیتی»^۳ در منطقه ماهیگیری مقررهی مشخصی وجود ندارد. بدون تردید وجود چنین ابهام‌ها و خلأهای معاهداتی می‌تواند دولت‌های ساحلی خزر بالاخص دولت ایران را در مرحله اجرایی با مشکلاتی مواجه سازد. براین اساس جستار حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤال اساسی است که دولت‌های ساحلی دریای خزر از چه صلاحیت‌هایی در منطقه ماهیگیری برخوردارند؟ بدون تردید پاسخ به این سؤال مستلزم بررسی موضوع‌های صلاحیتی در دریای خزر در پرتو مقررات حقوق بین‌الملل است که می‌تواند مختصات کنش جمهوری اسلامی ایران

۱. وزیر امور خارجه ایران (محمد جواد ظریف) در رابطه با برداشت و استفاده از منابع نفتی بیان داشته است که منابع نفتی که مورد منازعه نباشد توسط خود کشورها مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. در خصوص منابع مشترک یا مورد اختلاف نیز، اصل بر این است که دو یا سه کشور ذینفع در این خصوص با یکدیگر توافق و نسبت به بهره‌برداری از منابع نفتی اقدام کنند. چنانچه در این خصوص بین کشورها توافقی حاصل نشود، از آن منابع بهره‌برداری صورت نخواهد گرفت.

<https://www.isna.ir/news>

۲. تعیین محدوده منطقه ماهیگیری و سایر مناطق دریایی دریای خزر منوط به تعیین خط مبدا است. هر چند «کنوانسیون آکتائو» تعیین خط مبدا را به آینده موکول کرده است اما همانند «کنوانسیون حقوق دریاها» دو روش خط مبدا عادی و خط مبدا مستقیم را به رسمیت شناخته شده است. خط مبدا عادی در مورد سواحلی به کار می‌رود که خط ساحلی منظم، بدون فرورفتگی و صاف است به این سواحل «مقعر» می‌گویند که سواحل ایران این چنین است و آن مقدار از آب دریا که پشت خط مبدا به سمت ساحل قرار می‌گیرد آب‌های داخلی محسوب می‌شود. قاعدتاً در مورد ایران، باید این خط مبدا ترسیم گردد. روش دیگر، خط مبدا مستقیم است و در مورد سواحلی به کار می‌رود که خط ساحلی نامنظم، دارای فرورفتگی‌های زیاد و در نزدیکی آن‌ها جزایر متعددی وجود دارند، به این نوع سواحل «محدب» گفته می‌شود. در این صورت خط مبدا مستقیم در خارج و بلافاصله پس از این فرورفتگی یا جزایر کشیده می‌شود. چهار کشور دیگر دریای خزر به سبب شکل ساحلشان می‌توانند از خط مبدا مستقیم استفاده کنند و بنابراین میزان آب‌های داخلی آن‌ها قابل توجه خواهد شد. در خصوص سواحل ایران در حالت عادی امکان ترسیم خط مبدا مستقیم وجود نداشت اما کیاست کادر حقوقی ایران در مذاکرات آلمانی منجر به درج مقرر ای اضافی در کنوانسیون گردید که امکان استفاده از خط مبدا مستقیم را برای ایران ممکن می‌سازد. مطابق این مقرره چنانچه شکل ساحل، یک کشور ساحلی را در تعیین آب‌های داخلی اش آشکارا در وضعیت نامساعدی قرار دهد، این وضعیت هنگام ایجاد روش خط مبدا مستقیم به منظور دستیابی به تفاهم میان تمامی طرف‌ها مدنظر قرار خواهد گرفت. مفهوم این مقرره این است که ایران در مذاکرات پنج‌جانبه آینده برای تعیین خط مبدا با وجود بدشانسی ناشی از شرایط جغرافیایی در موضعی مساوی با سایر کشورها قرار دارد و می‌تواند برای تعیین خط مبدا مناسب تری اصرار کند (ساداتیان، ۱۳۹۸: ۳۴۰-۳۴۲).

۳. Jurisdiction

صلاحیت عبارت از حق یا تکلیف سلبی و ایجابی دولت در تنظیم قوانین، تضمین قوانین و اعمال قوانین در قلمرو تحت صلاحیت آن است (ضیایی، ۱۳۹۶: ۳۴).

مقید به رعایت مفاد کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط است یا خیر درخور تأمل است. در صورتی که دولت‌های ساحلی مقید به رعایت مفاد کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط نباشند، دامنه صلاحیت تقنینی آن‌ها موسع‌تر خواهد بود و بالمآل ابتکار عمل بیشتری در وضع قوانین مربوط به تعیین کل صید مجاز خواهند داشت در مقابل در صورتی که دولت‌های ساحلی مقید به رعایت مفاد کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط باشند، دامنه صلاحیت تقنینی آن‌ها مضیق‌تر خواهد بود و بالمآل مقید به رعایت محدودیت‌های مندرج در کنوانسیون‌های مرتبط هستند.

در حقوق دریاها، کلیه دولت‌ها از جمله دولت ساحلی از حق دریانوردی، حق هوانوردی و حق تعبیه کابل‌ها و خطوط لوله زیردریایی در منطقه انحصاری و اقتصادی برخوردار است البته اعمال این حقوق توسط دولت‌های ثالث منوط به رعایت حقوق و الزامات دولت ساحلی است (صالحی الف، ۱۳۹۹: ۱۶۰-۱۵۹) [۸]. کنوانسیون آکتائو نیز حق دریانوردی، حق هوانوردی و حق تعبیه کابل‌ها و خطوط لوله زیردریایی را برای دولت‌های ساحلی در منطقه ماهیگیری به رسمیت شناخته است. البته به منظور تضمین امنیت و ثبات در منطقه خزر و نیز ایمنی دریانوردی در مورد حق دریانوردی و حق تعبیه کابل‌ها و خطوط لوله زیردریایی محدودیت‌های توسط «کنوانسیون آکتائو» در نظر گرفته شده است.

تحقیقات علمی دریایی در مناطق دریایی به ویژه در منطقه انحصاری اقتصادی از اهمیت دو چندان برخوردار بوده چرا که گسترش تحقیقات علمی دریایی در این منطقه به دلیل وجود منابع جاندار و بی‌جان دریایی می‌تواند تأثیرات زیادی بر اقتصاد کشورها داشته باشد. لذا دولت‌های ساحلی با مطرح کردن ممنوعیت صید در این منطقه سعی در ایجاد محدودیت‌هایی برای تحقیقات علمی دریایی در این منطقه داشته‌اند (امین‌الرعایا، ۱۳۹۱: ۷۷۸) [۹]. «کنوانسیون آکتائو» در راستای تامین حقوق دولت‌های ساحلی، اختیار انحصاری وضع قواعد، تجویز و انجام تحقیقات علمی دریایی مربوط به منابع زنده آبی در منطقه ماهیگیری را به دولت ساحلی اعطا کرده است. بنابراین سایر دولت‌ها صرفاً با کسب مجوز از دولت ساحلی می‌توانند به انجام تحقیقات علمی دریایی در منطقه ماهیگیری دولت ساحلی مبادرت ورزند. «کنوانسیون آکتائو» اما در در مورد دامنه کیفی و کمی تحقیقات علمی دریایی محدودیت‌هایی را ایجاد کرده است.

«کنوانسیون آکتائو» صلاحیت قضایی دولت صاحب پرچم را به عنوان یک اصل مورد پذیرش قرار داده است [۶]. با وجود این، به موارد استثنایی این اصل اشاره نکرده است. مقدمه «کنوانسیون آکتائو» با قید عبارت «با استناد به اصول و موازین منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل» به این مسئله پاسخ داده است. براین اساس در

در کنار ملاحظات سیاسی از مهم‌ترین دلایل این امر محسوب می‌شده است. به طور کلی با بررسی متون حقوقی فارسی و نیز مطالعات تطبیقی بین‌المللی می‌توان چنین بیان نمود که مقاله حاضر از جهت گستره موضوع‌های صلاحیتی و از جهت زمان مورد مطالعه در منطقه ماهیگیری، نسبت به مقالات پیش‌گفته دارای نوآوری بوده است. به عبارت دیگر، مطالعه این مقاله شامل صلاحیت‌های «تقنینی»^۱، «قضایی»^۲ و «اجرایی»^۳ دولت‌های ساحلی در دریای خزر در دوران اخیر و پس از انعقاد کنوانسیون آکتائو می‌شود.

در «کنوانسیون آکتائو»، صلاحیت تقنینی دولت‌های ساحلی دریای خزر درخصوص برداشت منابع زنده آبی، تعیین کل صید مجاز منابع زنده آبی مشترک، دریانوردی، پرواز، تعبیه کابل‌ها و خطوط لوله زیردریایی و تحقیقات علمی دریایی به رسمیت شناخته شده است [۶]. در خصوص برداشت منابع زنده آبی، صلاحیت تقنینی دولت‌های ساحلی به طور انفرادی و جمعی به رسمیت شناخته شده است. در نتیجه دولت‌های ساحلی می‌توانند از طریق مشارکت در انعقاد کنوانسیون‌های بین‌المللی یا از طریق وضع قوانین داخلی برداشت منابع زنده آبی را قانونمند نمایند. البته دولت‌های ساحلی در وضع قوانین خود همواره با چالش تامین منافع اقتصادی از یک سو و چالش حفظ محیط زیست از سوی دیگر مواجه هستند.

به دلیل بهره‌برداری بی‌رویه و نیز قاچاق «منابع زنده آبی مشترک»^۴ که نابودی تدریجی این منابع را به همراه خواهد داشت [۷] حمایت قانونی از این منابع زنده حائز اهمیت است. «کنوانسیون آکتائو» به این مهم توجه داشته و دولت‌های ساحلی را ملزم کرده است که کل صید مجاز در دریای خزر را به طور مشترک تعیین و آن را به سهمیه‌های ملی تقسیم نمایند. با وجود این، این مسئله که اختیار قانونگذاری دولت‌های ساحلی در زمینه تعیین کل صید مجاز

^۱ Legislative (or Prescriptive) Jurisdiction

صلاحیت تقنینی به حق دولت به منظور اعمال قوانین خود نسبت به اقدام‌های، روابط یا وضعیت اشخاص یا منافع اشخاص در اشیا اشاره دارد. این صلاحیت همچنین شامل دستورالعمل‌های صادره توسط مقامات اجرایی و فرامین تعیین شده توسط مقامات قضایی نیز می‌گردد (Sundahl, 2013: 170).

^۲ Judicial (or Adjudicative) Jurisdiction

صلاحیت قضایی به حق دادگاه‌های دولت در رسیدگی به دعاوی مربوط به اشخاص یا اشیا و در نهایت صدور حکم در دعاوی یاد شده اشاره دارد. این صلاحیت قضایی می‌تواند نسبت به اشخاص (صلاحیت بر «اشخاص») یا نسبت به اموال (صلاحیت بر «اموال») مطرح گردد (Sundahl, 2013: 170).

^۳ Enforcement Jurisdiction

صلاحیت اجرایی به حق یک دولت برای اعمال (یا مجازات عدم رعایت) قوانین خود اشاره دارد. بنابراین این صلاحیت متضمن توسل به اقدام‌های اجرایی، از جمله دخالت فیزیکی، توقیف اموال و غیره... هستند (Sundahl, 2013: 170).

^۴ Shared aquatic biological resources

مطابق ماده ۱ «کنوانسیون آکتائو»، منابع زنده آبی مشترک آن دسته از منابع زنده آبی هستند که به طور مشترک توسط طرف‌ها مدیریت می‌شوند.

در مواردی تنها «حق حاکمه یا حق اولویت»^۱ دارند. به عبارت دیگر در این منطقه نه دولت ساحلی و نه دولتی دیگر حاکمیت دارد، بلکه لازم است تا «صلاحیت تقنینی» دولت ساحلی و سایر دولت‌ها در این منطقه طبق کنوانسیون مشخص گردد. «صلاحیت قضایی و اجرایی» نیز طبق ماده ۵۸ «کنوانسیون حقوق دریاها»، در این منطقه همچون صلاحیت قضایی و اجرایی در دریای آزاد مندرج در مواد ۸۸ تا ۱۱۵ «کنوانسیون حقوق دریاها»، است و چون در منطقه دریای آزاد اصل بر صلاحیت دولت صاحب پرچم است به نظر می‌رسد در منطقه انحصاری اقتصادی نیز اصل بر صلاحیت قضایی و اجرایی دولت صاحب پرچم است مگر در مواردی که کنوانسیون مزبور به گونه‌ای دیگر مشخص کرده است. «کنوانسیون آکتائو» نیز با تقسیم اقدام‌های قابل اعمال در دریا میان دولت ساحلی و دولت صاحب پرچم همان رویکرد حق حاکمه را در صلاحیت تقنینی پذیرفته است و در خصوص صلاحیت قضایی و اجرایی نیز از همان رویکرد صلاحیت دولت صاحب پرچم پیروی کرده است.

همان طور که پیش‌تر اشاره شد، «کنوانسیون آکتائو» از یکسو در رابطه با برخی موضوع‌های صلاحیتی رویکرد فعالانه داشته و بالمآل به ابتکاراتی در این زمینه مبادرت نموده و از سوی دیگر در رابطه با سایر موضوع‌های صلاحیتی رویکرد منفعلانه را در پیش گرفته است. در حالت اخیر با بهره‌گیری از قواعد عمومی حقوق بین‌الملل، خلأهای معاهداتی در «کنوانسیون آکتائو» قابل تکمیل است. با وجود این، مسئله مهم در مورد دریای خزر مسئله تسری یا عدم تسری مقررات حقوق بین‌الملل به این دریا است که همانند مسائل حقوقی پیش‌گفته مستلزم تجزیه و تحلیل است.

بعضی صاحب نظران حقوقی و همین‌طور برخی دولت‌های ساحلی دریای خزر معتقدند دریای خزر یک دریای بسته یا نیمه‌بسته است در نتیجه مقررات حقوق بین‌الملل نسبت به آن اعمال می‌گردد اما در پاسخ باید اظهار داشت که اولاً در حوزه قراردادی مطابق ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در مورد حقوق معاهدات به منظور تفسیر «کنوانسیون آکتائو» می‌توان از اسناد مرتبط نظیر «کنوانسیون حقوق دریاها» استفاده کرد. مطابق ماده ۱۲۲ کنوانسیون اخیر دریای بسته یا نیمه‌بسته، یک خلیج، حوزه آبی یا دریا است که توسط دو یا چند دولت احاطه گردیده و به وسیله یک راه خروجی آبی باریک به یک دریای دیگر یا اقیانوس متصل شده یا تماماً یا اساساً از آب‌های سرزمینی و منطقه انحصاری اقتصادی دو یا چند دولت ساحلی تشکیل شده‌است. همچنین مطابق با ماده ۱۲۳ این کنوانسیون؛ دولت‌های ساحلی این دریاها باید در اعمال حقوق و تعهدات مندرج در عهدنامه‌ی حقوق دریاها، به طور مستقیم و یا از طریق یک سازمان منطقه‌ای مناسب، با یکدیگر همکاری و در این راه تلاش نمایند. از جمله‌ی این دریاهای بسته یا نیمه‌بسته می‌توان به دریای سرخ، دریای مدیترانه، خلیج مکزیک، خلیج کالیفرنیا و خلیج فارس اشاره نمود [۱۰، ۱۱]. بنابراین اگر یک حوزه آبی مطابق مقررات

حالت خلأ حقوقی با رجوع به اصول و مقررات حقوق بین‌الملل به ویژه حقوق بین‌الملل دریاها می‌توان مواردی که دولت ساحلی در منطقه ماهیگیری از صلاحیت قضایی برخوردار است را استنباط کرد.

در «کنوانسیون آکتائو»، صلاحیت اجرایی دولت ساحلی در خصوص تعلیق یا توقف تحقیقات علمی دریایی و جلوگیری از صید غیرمجاز منابع آبی به رسمیت شناخته شده است [۶]. در این راستا دولت ساحلی می‌تواند در منطقه ماهیگیری خود تحت شرایط معینی تحقیقات علمی دریایی سایر دولت‌ها را تعلیق یا متوقف نماید. البته کنوانسیون آکتائو پا را فراتر نهاده و گستره اجرایی تعلیق و توقف را به موارد جدیدی بسط داده است. علاوه بر این تدابیر اجرایی دولت ساحلی نسبت به کشتی‌های ماهیگیری سایر طرف‌ها در منطقه ماهیگیری آن نیز تحت شرایطی اعمال می‌گردد.

روش‌شناسی

بدون تردید نخستین گام در بررسی موشکافانه موضوع، تعیین روش شناخت آن موضوع است. بسته به نوع علم از روش‌های مخصوص و متمایزی جهت پژوهش استفاده می‌گردد. در حوزه علوم انسانی، پژوهش‌ورزان به منظور شناخت موضوع عمدتاً از سه روش تاریخی، تجربی و توصیفی-تحلیلی استفاده می‌کنند. جستار حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، کوشیده است تا از طریق توصیف، تحلیل منطقی و بررسی مقررات حقوق بین‌الملل عمومی زوایای ناپیدای موضوع را تعیین و تدقیق نماید. به منظور نیل به این مهم، گردآوری اطلاعات عمدتاً کیفی تحقیق به روش کتابخانه‌ای و به صورت استفاده از اسناد، کتاب‌ها، مقالات معتبر و تارنماهای مرتبط با موضوع بوده است که این اطلاعات از طریق فیش برداری جمع‌آوری شده‌اند. در این راه، علاوه بر معاهدات بین‌المللی، به دیگر منابع اصلی و نیز منابع فرعی حقوق بین‌الملل نیز نظر دوخته شده است.

یافته‌ها و نتایج

به نظر می‌رسد که منطقه ماهیگیری در «کنوانسیون آکتائو» که همتای منطقه انحصاری اقتصادی در «کنوانسیون حقوق دریاها» است، باید از ماهیت حقوقی همان منطقه تبعیت کند. در «کنوانسیون حقوق دریاها» برخلاف آب‌های داخلی و دریای سرزمینی که دولت ساحلی بر آن‌ها حاکمیت دارد طبق ماده ۵۶ «کنوانسیون حقوق دریاها»، دولت‌های ساحلی در این منطقه از دریا

^۱ Sovereign right

اقدامی که بقای این منابع را به مخاطره می‌اندازد، خودداری نمایند) (Birnie, 2011: 6).

علاوه بر این، « طرف‌ها براساس این کنوانسیون و سازکارهای بین‌المللی کل صید مجاز منابع زنده آبی مشترک در دریای خزر را مشترکاً تعیین و آن را به سهمیه‌های ملی تقسیم خواهند کرد» [۶]. این مقرر عیناً از ماده ۱۱ «کنوانسیون حفاظت و بهره‌برداری بهینه از منابع زنده آبی دریای خزر» مصوب ۲۰۱۴ (زین پس «کنوانسیون منابع زنده آبی خزر(۲۰۱۴)»، ماده ۱۱ «قانون موافقتنامه حفاظت و بهره‌برداری بهینه از منابع زنده آبی دریای خزر»، مصوب ۱۳۹۴ مجلس شورای اسلامی ایران(زین پس «قانون منابع زنده آبی ایران(۱۳۹۴)» و با عبارت‌پردازی کلی‌تر از ماده ۳ «قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران»، مصوب ۱۳۷۴ مجلس شورای اسلامی ایران(زین پس «قانون منابع آبی ایران(۱۳۷۴)» اقتباس شده است. قانون اخیر در مقایسه با «کنوانسیون منابع زنده آبی خزر(۲۰۱۴)» از یک سو دامنه شمول بیشتری داشته و کلیه آب‌های تحت حاکمیت و صلاحیت جمهوری اسلامی ایران اعم از آب‌های داخلی، مرزی و دریایی را در بر می‌گیرد و از سوی دیگر در قانون مزبور انجام اقدامات مربوط به مدیریت صید و اعمال مقررات مربوط به آن، حفاظت منابع، بازسازی ذخایر موجود، بهسازی محیط زیست آبریان و آبی‌دار کردن اقتصادی آب‌های موضوع این قانون به شرکت سهامی شیلات ایران واگذار شده است. به نظر می‌رسد عبارت «انجام اقدامات مربوط به صید» به اقدامات مختلف دولت ایران از جمله تعیین کل صید مجاز در دریای خزر و تقسیم آن به سهمیه‌های ملی اشاره دارد که شرکت سهامی شیلات ایران مجری آن است.

در رابطه با مقرر «کنوانسیون آکتائو» این سؤال مطرح می‌شود که آیا دولت‌ها باید در تعیین کل صید مجاز مقررات کنوانسیون‌های بین‌المللی نظیر «کنوانسیون منابع زنده آبی خزر(۲۰۱۴)»، را مدنظر قرار دهند؟ در راستای درک ضرورت موضوع باید خاطر نشان کرد که در «کنوانسیون منابع زنده آبی خزر(۲۰۱۴)»، کمیسیونی تحت عنوان کمیسیون منابع زنده آبی دریای خزر تشکیل شده است [۱۴]. کمیسیون می‌تواند بنا به تشخیص خود، گونه‌های آبی مختلف را در فهرست منابع زنده آبی مشترک قرار دهد و به تبع آن هر ساله کل صید مجاز منابع زنده آبی مشترک را تعیین و برای دولت‌ها سهمیه مقرر نماید [۱۴]. کمیسیون در سال ۲۰۱۵، صید تجاری ماهیان خاویاری را ممنوع اعلام کرده و به تعبیری ماهیان خاویاری را به عنوان منابع زنده آبی مشترک در نظر گرفته است. این مقرر عیناً در ماده ۱۱ «قانون منابع زنده آبی ایران(۱۳۹۴)» درج گردیده است. با وجود این در «قانون منابع آبی ایران(۱۳۷۴)» مقرر ای در این رابطه وجود ندارد. با عنایت به اینکه قانون اخیر قبل از «کنوانسیون منابع زنده آبی خزر(۲۰۱۴)» و «قانون منابع زنده آبی ایران(۱۳۹۴)»

«کنوانسیون حقوق دریاها» دریای‌بسته یا نیمه‌بسته تلقی گردد، توسط کنوانسیون اخیر قابل تحدید حدود و تقسیم است و اگر مانند دریای خزر مطابق موارد مندرج در ماده ۱۲۲ نباشد، از شمول کنوانسیون خارج است [۱۲، ۱۳]. ثانیاً: مطابق حقوق بین‌الملل عرفی دولت‌های پیرامون دریاچه‌های مختلف جهان، آن‌ها را به عنوان پهنه آبی در نظر گرفته‌اند که قواعد مربوط به حقوق بین‌الملل در خصوص آن‌ها حکمفرما نیستند و آن‌ها را تابع معاهدات ویژه‌ای می‌نمایند که موجب پدید آمدن نظام‌های حقوقی مخصوص دریاچه‌ها گردیده است. البته در زمینه استفاده از مقررات حقوق بین‌الملل و به کارگیری آن‌ها محدودیتی وجود ندارد؛ مشروط بر آنکه همه دولت‌های مربوط، در این خصوص با یکدیگر به توافق کامل دست یابند. در نهایت می‌توان چنین بیان کرد که هر چند تسری مقررات حقوق بین‌الملل به دریای خزر در درجه اول منوط به اراده موافق کلیه دولت‌های عضو «کنوانسیون آکتائو» است اما به طور کلی با در نظر گرفتن تاثیرپذیری «کنوانسیون دریای خزر» از اصول و موازین منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل به عنوان قید مندرج در کنوانسیون [۶] و «کنوانسیون حقوق دریاها» به عنوان ابزار تفسیر کنوانسیون و همچنین قواعد عرفی و قراردادی بین‌المللی و اصول کلی حقوقی بین‌المللی قابل اعمال در دریای خزر می‌توان اظهار نمود که مقررات اخیر قابل تسری به «کنوانسیون دریای خزر» است و می‌تواند به عنوان یک راهکار در حل و فصل اختلاف‌های آبی راهگشا باشد.

۴-۱- صلاحیت تقنینی در منطقه ماهیگیری دریای خزر

صلاحیت تقنینی دولت‌های ساحلی دریای خزر در منطقه ماهیگیری مورد توجه «کنوانسیون آکتائو» قرار گرفته است. این کنوانسیون پس از تعریف «منابع زنده آبی»،^۱ اعلام می‌دارد «هر طرف در منطقه ماهیگیری خود از حق انحصاری برداشت منابع زنده آبی طبق این کنوانسیون، موافقتنامه‌های جداگانه منعقد شده توسط طرف‌ها براساس کنوانسیون و قوانین ملی خود برخوردار خواهد بود». [۶]. عبارت «قوانین ملی خود»، بیانگر این است که دولت‌های ساحلی خزر در خصوص برداشت منابع زنده آبی دارای صلاحیت تقنینی می‌باشند. با وجود این «کنوانسیون آکتائو»، در خصوص محدودیت‌های وارده بر این صلاحیت ساکت است. اما در بندهای ۱ و ۲ ماده ۶۱ «کنوانسیون حقوق دریاها»، صلاحیت تقنینی دولت‌های ساحلی در خصوص برداشت منابع زنده آبی محدود به تعیین حد مجاز صید منابع زنده به منظور جلوگیری از صید بیش از حد مجاز، شده است. در هر صورت به موجب حقوق بین‌الملل عرفی کلیه دولت‌ها متعهد شده‌اند که از منابع زنده آبی در دریاها محافظت نموده و از انجام هر

^۱. Aquatic biological resources

مطابق ماده ۱ «کنوانسیون آکتائو» منابع زنده آبی عبارت اند از: ماهی‌ها، نرم تنان، سخت پوستان، پستانداران و سایر انواع جانوران و گیاهان آبی.

^۲. Agreement on the conservation and sustainable use of aquatic biological resources of the Caspian Sea.

ذخایر موجودات زنده منطقه انحصاری اقتصادی با صید بیش از حد به مخاطره نمی‌افتند.^۱ «کنوانسیون آکتائو» نیز اذعان می‌دارد که «هر طرف به منظور اعمال... حقوق انحصاری خود در برداشت منابع زنده‌آبی و همچنین به منظور حفظ و مدیریت چنین منابعی در منطقه ماهیگیری خود، می‌تواند تدابیری در خصوص کشتی‌های سایر طرف‌ها شامل سوار شدن بر آن‌ها، بازرسی، تعقیب فوری، بازداشت، توقیف و رسیدگی قضایی که ممکن است برای تضمین رعایت قوانین و مقررات آن ضروری باشد، اتخاذ نماید» [۶]. درخصوص این دو مقرر ذکر چند نکته حائز اهمیت است: ۱- سیاق مقرر نخست، به طور کلی تنظیم‌گردیده و با عنایت به بند ۲ ماده ۶۲ «کنوانسیون حقوق دریاها» شامل آن دسته از مجوزهایی که توسط دولت ساحلی به سایر دولت‌ها تفویض شده نیز می‌گردد. بر این اساس چنانچه مشخص شود کشتی‌های سایر طرف‌ها بیش از حد مجاز اقدام به بهره‌برداری نموده‌اند، دولت ساحلی می‌تواند به تدابیر اجرایی علیه آن کشتی‌ها متوسل گردد. ۲- مقرر دوم با ذکر عباراتی نظیر بازرسی، تعقیب فوری، بازداشت و تعقیب به ایضاح دامنه مفهومی صلاحیت اجرایی دولت ساحلی پرداخته‌است. در هر صورت اعمال تدابیر اجرایی توسط دولت‌های ساحلی دریای خزر علیه کشتی‌های متخلف صیادی به رسمیت شناخته شده است.

باید توجه داشت که سایر دولت‌ها در عین حال که حق بهره‌برداری از منابع زنده‌ی مازاد اعلام‌شده از سوی دولت ساحلی را در منطقه‌ی انحصاری اقتصادی آن‌ها دارند، لیکن از بهره‌برداری غیرمجاز ممنوع هستند. در این راستا یکی از چالش‌های اساسی دولت‌های ساحلی تعیین چارچوب برای دولت‌های صاحب پرچم کشتی-های ماهیگیری غیرمجاز در منطقه انحصاری اقتصادی است. به منظور حل این چالش «کمیسیون ماهیگیری زیرمنطقه‌ای»^۲ که سازمان مشترک میان هفت دولت ساحلی آفریقا شامل، «گینه»^۳، «کیپ ورد»^۴، «گامبیا»^۵، «گینه بیسائو»^۶، «موریتانی»^۷، «سنگال»^۸ و «سیرالئون»^۹ است^{۱۰} از دیوان بین‌المللی حقوق دریاها

وضع گردیده است به نظر می‌رسد که در زمان وضع آن، مسئله حفاظت از منابع زنده آبی مشترک چندان برای قانون گذار ملی اولویت نداشته است. در پاسخ به سؤال مطروحه، باید اظهار کرد: عبارت «سازکارهای بین‌المللی»، در مقرر اخیر به کنوانسیون‌های بین‌المللی نظیر «کنوانسیون منابع زنده آبی خزر (۲۰۱۴)» اشاره دارد. علاوه براین، تعریف ارائه شده در ماده ۱ «کنوانسیون آکتائو» در مورد منابع زنده آبی از «کنوانسیون منابع زنده آبی خزر (۲۰۱۴)» اقتباس شده است و به عبارت بهتر «کنوانسیون آکتائو» موید «کنوانسیون منابع زنده آبی خزر (۲۰۱۴)» است [۱۵]. در نهایت باید بیان داشت که صلاحیت تقنینی دولت‌های ساحلی دریای خزر مقید به مفاد کنوانسیون اخیر بوده و این دولت‌ها نمی‌توانند در مغایرت با موضوع‌هایی نظیر ممنوعیت صید تجاری ماهیان خاویاری مقرراتی وضع نمایند.

همچنین «چنانچه یکی از طرف‌ها امکان برداشت تمامی سهمیه خود از کل صید مجاز را نداشته است، می‌تواند از طریق انعقاد موافقتنامه‌های دوجانبه یا از طریق ترتیبات دیگر طبق قوانین ملی خود، دسترسی به باقیمانده سهم خود از کل صید مجاز را به طرف-های دیگر اعطا کند» [۶]. براین اساس دولت ساحلی به منظور ترویج حداکثر بهره‌برداری از منابع زنده اجازه می‌دهد که سایر طرف‌ها به صید مازاد مجاز این منابع بپردازند [۱۶] مقرر فوق پیش‌تر در بند ۲ ماده ۶۲ «کنوانسیون حقوق دریاها»، بند ۳ ماده ۶ «کنوانسیون منابع زنده آبی خزر (۲۰۱۴)»، بند ۳ ماده ۶ «قانون منابع زنده آبی ایران (۱۳۹۴)» انعکاس یافته است. «قانون منابع آبی ایران (۱۳۷۴)» بدون اینکه به امکان یا عدم امکان برداشت هر دولت از سهمیه آن از کل صید مجاز اشاره نماید، بیان کرده است که شناورهای صیادی خارجی مجاز به صید در آب‌های تحت حاکمیت و صلاحیت دولت جمهوری اسلامی ایران نیستند مگر براساس شرایط مندرج در موافقت‌نامه‌های منعقد مابین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت صاحب پرچم. براین اساس می‌توان بیان کرد که «قانون منابع آبی ایران (۱۳۷۴)» با «کنوانسیون آکتائو» هم پوشانی دارد و هم در «قانون منابع آبی ایران (۱۳۷۴)» و هم در «کنوانسیون آکتائو»، ماهیگیری شناورهای خارجی در منطقه ماهیگیری دولت ساحلی منوط به رضایت دولت اخیر شده است. این مسئله در رویه بین‌المللی نیز نمود عینی یافته است. به طور مثال می‌توان به موافقت‌نامه‌های دوجانبه بین دولت‌های ساحلی آفریقای یا موافقت‌نامه‌های چندجانبه بین اتحادیه اروپا و دولت‌های ژاپن، کانادا، کره جنوبی و ایالات متحده آمریکا اشاره کرد. در هر صورت در حقوق بین‌الملل معاصر واگذاری باقیمانده سهم هر دولت ساحلی از کل صید مجاز خود به سایر دولت‌ها از طریق موافقت‌نامه‌های دوجانبه یا سایر ترتیبات به عنوان یک اصل کلی حقوقی به رسمیت شناخته شده است [۱۷]. با وجود این مطابق بند ۲ ماده ۶۱ «کنوانسیون حقوق دریاها» دولت ساحلی با توجه به بیشترین شواهد علمی در دسترس، از طریق اقدام‌های حفاظتی و مدیریتی مناسب اطمینان حاصل خواهد کرد که

^۱ Schwabach, A, John Cockfield, A. *International Law and Institutions*, EOLSS Publishers, 2009, at p. 217.

^۲ Sub-Regional Fisheries Commission (SRFC)

^۳ Guinea

^۴ Cape Verde

^۵ Gambia

^۶ Guinea Bissau

^۷ Mauritania

^۸ Senegal

^۹ Sierra Leone

^{۱۰} سازمان‌ها یا کمیسیون‌های ماهیگیری زیرمنطقه‌ای به طور عمده به دو نوع گونه محور و منطقه محور تقسیم می‌شوند. سازمان‌های گونه محور اغلب بر حفظ و مدیریت تن ماهیان متمرکزند. برای نمونه می‌توان به کمیسیون بین‌المللی حفاظت از تن ماهیان اقیانوس اطلس یا کمیسیون تن ماهیان اقیانوس هند اشاره کرد. تن ماهیان در مناطق مربوط به خارج از صلاحیت ملی در اقیانوس‌ها مدیریت شده است، اما هنوز خلأ مهمی درباره ماهی‌های غیر تن وجود دارد. در مقابل، سازمان‌های منطقه محور بر انواع ماهیان در یک منطقه جغرافیایی مشخص صلاحیت دارند. برای نمونه کمیسیون ماهیگیری شمال شرقی اقیانوس اطلس، سازمان ماهیگیری شمال غربی اقیانوس اطلس و سازمان ماهیگیری جنوب شرقی اقیانوس اطلس سه محدوده

آزاد محدودتر بوده و این آزادی به کشتی‌های دولتی‌های ثالث تسری نمی‌یابد.

همچنین « آزادی پروازهای عبوری توسط هواپیماهای غیرنظامی طبق مقررات سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری»^۳ بر فراز دریای خزر به رسمیت شناخته شده است [۴]. سازمان هواپیمایی کشوری در خصوص هواپیماهای غیرنظامی دوگونه پرواز را مدنظر قرار داده است: یکی پرواز غیربرنامه‌ای و دیگری پرواز برنامه‌ای. پروازهای دسته نخست، پروازهای غیرمنظمی هستند که بنا به ضرورت برای یک بار یا چند بار صورت می‌گیرند. این پروازها، برخلاف پروازهای برنامه‌ای این امتیاز را دارند که می‌توانند بدون کسب اجازه قبلی وارد قلمرو هوایی یکی از دول متعاقد شوند (Moussazadeh, 2011: 332). پروازهای دسته دوم متعلق به سرویس‌های منظم هوایی بین‌المللی بوده و اجرایی شدن آن‌ها منوط به کسب موافقت قبلی از دولت مربوط یا وجود موافقتنامه بین‌المللی خاص است [۲۱]. براین اساس می‌توان اظهار داشت که، هر چند آزادی هوانوردی در منطقه ماهیگیری دریای خزر به رسمیت شناخته شده است اما این آزادی از یک سو شامل هواپیماهای نظامی نمی‌گردد و صرفاً هواپیماهای غیرنظامی را در بر می‌گیرد و از سوی دیگر دامنه اجرایی این آزادی بسته به نوع پرواز متفاوت است.

در خصوص تعبیه کابل‌ها و خطوط لوله زیردریایی، به موجب کنوانسیون اخیر «طرف‌ها می‌توانند نسبت به تعبیه بافها و خطوط لوله زیر دریایی در بستر دریای خزر» اقدام کنند [۴]. با درج این مقرره، انجام پروژه‌های انتقال نفت و گاز طبیعی از مناطق شرقی دریای خزر نظیر قزاقستان و ترکمنستان به بازارهای اروپایی و از طریق جمهوری آذربایجان میسر گردید. این پروژه‌ها ضمن آن که اقدامی در جهت بالابردن اهمیت منطقه خزر است، جایگزینی مناسب و مطمئن برای صادرات انرژی روسیه به اروپا نیز است [۲۲].^۴ البته تعبیه خطوط لوله سراسری زیردریایی توسط طرف‌ها مشروط به مطابقت پروژه‌های آن‌ها با استانداردهای زیست محیطی و الزام‌های مندرج در موافقتنامه‌های بین‌المللی که طرف‌ها در آن عضو هستند از جمله «کنوانسیون چارچوب حفاظت از محیط زیست دریایی دریای خزر» مصوب ۲۰۰۴ و پروتکل‌های مربوط، گردیده است [۴]. این مقرره از این جهت حائز اهمیت است که خطوط سراسری لوله زیر دریایی حامل منابع طبیعی نظیر نفت و گاز بوده و بی‌مبالاتی و تساهل در نصب و قراردادن آن‌ها به طور مستقیم آلودگی محیط زیست دریایی را به دنبال دارد [۲۳]. مطابق کنوانسیون اخیر، طرف‌های متعاقد کلیه اقدام‌های مناسب را برای جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی دریای خزر ناشی از منابع واقع در

در رابطه با تعهدات دولت صاحب پرچم نسبت به صید غیر مجاز کشتی‌های حامل پرچم خود در منطقه انحصاری اقتصادی دولت‌های عضو کمیسیون درخواست نظریه مشورتی کرد [۱۸]. دیوان بین‌المللی حقوق دریاهای در نظریه مشورتی خود در ۲ آوریل ۲۰۱۵ در این خصوص اظهار داشت که دولت صاحب پرچم مکلف است اقدام‌های لازم را برای ملزم کردن کشتی حامل پرچم به تبعیت از مقررات و برنامه‌های مدیریتی و حفاظتی از منابع بین‌المللی انجام دهد از جمله اینکه قوانین لازم را برای جلوگیری و مبارزه با صید غیرمجاز کشتی‌های حامل پرچم خود وضع کند. در عین حال که از منظر قضات دیوان بین‌المللی حقوق دریاهای، تعهد به انجام این اقدام‌ها از سوی دولت صاحب پرچم از تعهدات منتهی به نتیجه نیست، لیکن محدودیت‌های در این رابطه وجود دارند که در ذیل مفهوم «اقدام مقتضی»^۱ متجلی شده است. از این رو دولت صاحب پرچم باید برای رهایی از مسئولیت اقدام‌های غیرقانونی کشتی حامل پرچم خود اقدام‌های مقتضی را انجام داده باشد. تصویب مقررات بین‌المللی مناسب و اتخاذ اقدام‌های اجرایی موثر نسبت به کشتی متبوع با هدف جلوگیری از صید غیرمجاز جلوه‌ای از این اقدام‌های مقتضی است. وسعت این اقدام‌ها حتی بسته به شروط همکاری میان دولت صاحب پرچم، دولت ساحلی و سازمان‌های مربوط در ترتیبات منطقه‌ای ممکن است تا تأمین خسارت و اعاده به وضع سابق گسترش یابد [۱۶].

در «کنوانسیون آکتائو» مسئله دامنه صلاحیت قانونی دولت‌های ساحلی در زمینه آزادی دریانوردی به طور موسع مورد توجه قرار گرفته و کنوانسیون این مسئله را علاوه بر آب‌های سرزمینی به منطقه ماهیگیری دولت‌ها نیز تسری داده است [۱۹]. بر این اساس «کشتی‌های تحت پرچم طرف‌ها از آزادی دریانوردی در فراسوی محدوده‌های خارجی آب‌های سرزمینی طرف‌ها برخوردار خواهند بود. این آزادی منوط به رعایت حقوق حاکمه و انحصاری دولت‌های ساحلی و رعایت مقررات وضع شده توسط آن‌ها در مورد فعالیت‌های مشخص شده توسط طرف‌ها است» [۶]. البته باید توجه داشت که «کنوانسیون آکتائو» ضمن به رسمیت شناختن آزادی دریانوردی در دریای سرزمینی و محدوده‌های خارجی آب‌های سرزمینی، این آزادی را صرفاً برای کشتی‌های حامل پرچم طرف‌های کنوانسیون در نظر گرفته است [۲۰].^۲ بنابراین می‌توان بیان داشت که دایره اجرایی اصل آزادی دریانوردی در دریای خزر در مقایسه با دریاهای

از اقیانوس اطلس را پوشش می‌دهند. به طور کلی کارکرد اصلی سازمان‌ها یا کمیسیون‌های ماهیگیری زیرمنطقه‌ای تصویب و اجرای اقدام‌های مربوط به حفظ و مدیریت منابع ماهیگیری-مانند تعیین کل صید مجاز و سهمیه صید دولت‌های عضو است که تحت صلاحیت آن‌ها قرار دارند (صیرفی و دیگران، ۱۳۹۹: ۹۴۶)

۱. Due Diligence

۲. جهت دسترسی به منبع فوق به آدرس اینترنتی ذیل ر.ک:

<https://www.lexology.com/library/detail.aspx?g=f09d9201-9384-499e-a6d8-9d248d8d7a0f>

۳. تا زمان نگارش این مقاله ۱۹۳ دولت از جمله همه کشورهای ساحلی دریای خزر به عضویت سازمان هواپیمایی کشوری درآمده‌اند.

<https://www.icao.int/about-icao/Pages/member-states.aspx>

۴. جهت دسترسی به منبع فوق به آدرس اینترنتی ذیل ر.ک:

https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=3360875

کشتی‌های تجاری دولت‌های ثالث نصیب آن‌ها می‌گردد، محروم می‌کند.^۲

تحقیقات علمی دریایی، از دیگر مصادیق صلاحیت تقنینی دولت‌های ساحلی دریای خزر است. مطابق «کنوانسیون آکتائو»، «هر طرف در اعمال صلاحیت خود از حق انحصاری برای وضع قواعد، تجویز و انجام تحقیقات علمی دریایی مربوط به منابع زنده آبی در منطقه ماهیگیری خود برخوردار خواهد بود. کشتی‌های تحت پرچم طرف‌ها می‌توانند چنین تحقیقاتی را در منطقه ماهیگیری طرف دیگر با مجوز کتبی آن طرف و طبق شروطی که آن طرف می‌تواند تعیین کند، انجام دهند» (Convention on the Legal Status of the Caspian Sea, 2018, art) (13. para. 2).^۳ ریشه در حقوق حاکمه بر منابع زنده و غیرزنده موجود در منطقه ماهیگیری دارد [۲۶]. مقرر فوق از بندهای ۱ و ۲ ماده ۲۴۶ «کنوانسیون حقوق دریاها» اقتباس گردیده است.^۳ براین اساس دولت‌های ساحلی از حق وضع قواعد، تجویز و انجام تحقیقات علمی دریایی در منطقه انحصاری اقتصادی برخوردار هستند. به همین ترتیب تحقیقات علمی دریایی در منطقه انحصاری اقتصادی باید با موافقت دولت ساحلی انجام گردد. در نتیجه هرگونه تحقیقات علمی دریایی، بدون موافقت دولت ساحلی نقض صلاحیت دولت ساحلی را به همراه خواهد داشت [۲۷]. اصل رضایت دولت ساحلی برای تحقیقات علمی دریایی در منطقه انحصاری اقتصادی امروزه بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی است [۲۷]. با وجود این توجه به دو نکته حائز اهمیت است: نخست آن که صلاحیت تقنینی دولت‌های ساحلی برای تحقیقات علمی در منطقه ماهیگیری مطابق «کنوانسیون آکتائو» مقید به منابع زنده آبی است اما این صلاحیت در منطقه انحصاری اقتصادی مطلق است و علاوه بر منابع جاندار شامل منابع غیر جاندار و منابع معدنی نیز می‌گردد. دوم آن که مطابق «کنوانسیون آکتائو»، دولت ساحلی دریای خزر می‌تواند صرفاً به سایر دولت‌های ساحلی این دریا اجازه انجام تحقیقات علمی دریایی در منطقه ماهیگیری خود را بدهد اما مطابق «کنوانسیون حقوق دریاها»، دولت ساحلی می‌تواند به کلیه دولت‌های جهان، اعم از ساحلی یا محصور در خشکی اجازه انجام تحقیقات علمی دریایی در منطقه انحصاری اقتصادی خود را دهد.

هرچند دولت‌های ساحلی دریای خزر از صلاحیت تقنینی درخصوص تعیین شروط و شیوه‌های صدور مجوزها برخوردار هستند (Convention on the Legal Status of the Caspian Sea, 2018, art. 13. para. 3) اما در اجرایی ساختن این صلاحیت، با

^۲. خاطر نشان می‌گردد دریای خزر از طریق کانال‌های ولگا-دن و ولگا-بالتیک به آب‌های آزاد متصل می‌گردد.

^۳. مقررات مربوط به رژیم حقوقی تحقیقات علمی دریایی در بخش سیزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها انعکاس یافته است. این مقررات مبین اصول و الزام‌های کلی است که برای تمامی دولت‌ها لازم‌الرعایه است، همچنین دربردارنده محدودیت‌های عملیاتی مجری بر فعالیت‌های تحقیقاتی برحسب مکان اجرایی تحقیقات است (مدنی، ۱۳۹۲: ۶۷).

خشکی^۱ نظیر لوله‌ها بعمل خواهند آورد [۶]. البته باید توجه داشت که مسئله حق تعبیه خطوط لوله سراسری زیردریایی بر روی بستر دریای خزر، به طور کامل حل نشده است چرا که کنوانسیون از یک-سو طرف‌ها را جهت اعمال این حق محدود نمی‌کند اما از سوی دیگر تعیین مسیرهای خطوط لوله زیردریایی را منوط به توافق با طرفی که خط لوله از بخش بستر آن عبور می‌کند، می‌نماید [۲۴]. هر چند مقررات فوق، با تاسی از بند ۱ ماده ۵۸ «کنوانسیون حقوق دریاها» نگاشته شده‌اند، اما در حوزه‌ی آزادی دریانوردی و آزادی تعبیه کابل‌ها و خطوط لوله زیردریایی دامنه شمول آن‌ها با یکدیگر متفاوت است. مطابق «کنوانسیون آکتائو»، آزادی دریانوردی و آزادی تعبیه کابل‌ها و خطوط لوله زیردریایی مختص دولت‌های ساحلی دریای خزر بوده و به دولت‌های ثالث تعلق نمی‌گیرد (Convention on the Legal Status of the Caspian Sea, 2018, art.3. para. 8 & art. 14. para.1). اما مطابق بند ۱ ماده ۵۸ «کنوانسیون حقوق دریاها»، کلیه دولت‌های جهان اعم از دولت‌های ساحلی یا محصور در خشکی از آزادی دریانوردی و آزادی تعبیه کابل‌ها و خطوط لوله زیردریایی در منطقه انحصاری اقتصادی یکدیگر برخوردار هستند. همین‌طور در حقوق بین‌الملل عرفی، آزادی دریانوردی، آزادی هوانوردی و آزادی تعبیه کابل‌ها و خطوط لوله زیردریایی در منطقه انحصاری اقتصادی برای کلیه دولت‌ها پذیرفته شده است [۲۵]. بنابراین هرچند دایره اجرایی آزادی هوانوردی در «کنوانسیون آکتائو»، منطبق با حقوق بین‌الملل قراردادی و عرفی است اما دایره اجرایی آزادی‌های دریانوردی و تعبیه کابل‌ها و خطوط لوله زیردریایی در «کنوانسیون آکتائو» محدودتر از حقوق بین‌الملل قراردادی و عرفی است. البته در مورد ممنوعیت دریانوردی کشتی‌های دولت‌های ثالث در دریای خزر باید افزود که هرچند ممنوعیت دریانوردی کشتی‌های جنگی دولت‌های ثالث در دریای خزر در پرتو اصل تضمین امنیت و ثبات در منطقه خزر منطقی به نظر می‌رسد اما ممنوعیت دریانوردی کشتی‌های تجاری دولت‌های ثالث غیر قابل پذیرش بوده و به آن ایراد وارد است. چرا که امروزه بخش عمده‌ای از تجارت بین‌المللی از طریق دریاها و اقیانوس‌ها صورت می‌گیرد و این ممنوعیت، دولت‌های ساحلی دریای خزر را از منافع اقتصادی که در اثر حضور

^۱. در یک تقسیم بندی کلی میتوان منابع آلوده کننده را به سه دسته تقسیم نمود: آلودگی‌هایی که از منابع زمینی (مستقر در خشکی) وارد دریا می‌شوند؛ آلودگی‌هایی که از هوا به دریا می‌ریزند و آلودگی‌هایی که در داخل دریا ایجاد می‌شوند. در باب انواع آلاینده‌ها به طور مختصر باید به آلودگی ناشی از نفت یا تصادم کشتی‌ها و در نتیجه ریزش مواد نفتی و سمی به داخل دریا اشاره نمود. همچنین مواد زائد ممکن است از طریق هوا وارد دریا گردند. بعلاوه در این راستا باید از حفاری و معدنکاری در بستر دریا نام برد که می‌تواند با ایجاد رسوبات و گل آلود نمودن دریا، اکوسیستم و محیط دریایی را به شدت به مخاطره بیفکند (زمانی و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۸)

در خصوص حفاظت از محیط زیست دریایی از جمله محیط زیست دریای خزر، هر چند دولت‌ها تعهد عام به حمایت و حفاظت از محیط زیست دریایی دارند [۱۸] اما دریای خزر همچنان تحت فشار شدید تهدیدات محیط زیستی از جمله صید بیش از اندازه ماهیان، خطر حمله دریایی، آلودگی دریایی ناشی از صنایع، کشاورزی و ... قرار دارد [۳۱]. در صورت انجام این فعالیت‌ها، تعیین دولت صالح جهت رسیدگی قضایی به عمل متخلفانه از اهمیت خاصی برخوردار است [۱۵]. به طور کلی در منطقه ماهیگیری در رابطه با حفاظت از محیط زیست دریایی اصولاً صلاحیت قضایی دولت ساحلی اعمال می‌گردد. بند ۱ ماده ۵۶ «کنوانسیون حقوق دریاها»، در این خصوص اظهار می‌دارد: دولت ساحلی در رابطه با حفاظت از محیط زیست دریایی در منطقه انحصاری اقتصادی صلاحیت دارد». همچنین «کنوانسیون حقوق دریاها» در بند ۶ ماده ۲۲۰ اعلام می‌کند که: «چنانچه کشتی خارجی در حال دریانوردی در منطقه انحصاری اقتصادی دولت ساحلی با نقض قوانین این دولت یا مقررات بین‌المللی به تخلیه زباله اقدام نماید و یا موجب خسارت عمده یا تهدید به خسارت عمده خط ساحلی یا منافع دولت ساحلی یا به هر منبع آب‌های سرزمینی او گردد، دولت ساحلی می‌تواند مطابق با قوانین خود اقدام‌های قضایی و دادرسی، شامل توقیف کشتی را اتخاذ و شروع نماید». یا مطابق بند ۱ ماده ۲۲۰ کنوانسیون اخیر، «وقتی یک کشتی به طور داوطلبانه در داخل یک بندر یا در پایانه دریایی یک دولت قرار دارد، آن دولت می‌تواند در ارتباط با هر نقض قوانین و مقررات مصوب خود در انطباق با این کنوانسیون یا مقررات استانداردهای بین‌المللی قابل اعمال برای جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی از کشتی‌ها، دادرسی شروع نماید، اگر نقض در داخل منطقه انحصاری اقتصادی آن دولت اتفاق افتاده باشد».

البته در موارد استثنایی، دولت صاحب پرچم نیز از صلاحیت قضایی برخوردار است. به طور مثال بند ۴ ماده ۲۱۷ «کنوانسیون حقوق دریاها»، اظهار می‌دارد که: «اگر یک کشتی مرتکب نقض قواعد و استانداردهای وضع شده از طریق سازمان بین‌المللی صلاحیت‌دار یا کنفرانس دیپلماتیک عمومی گردد، دولت صاحب پرچم رسیدگی فوری به عمل خواهد آورد و در موارد مقتضی بدون توجه به محل وقوع نقض یا محلی که آلودگی ناشی از این نقض اتفاق افتاده یا علائم آن مشاهده شده، به موضوع رسیدگی خواهد کرد». به زعم برخی نویسندگان حقوقی، مطابق حقوق عرفی، دولت ساحلی از صلاحیت رسیدگی قضایی در خصوص حفاظت و کنترل آلودگی در منطقه انحصاری اقتصادی برخوردار بوده که این صلاحیت از حقوق دولت ساحلی نسبت به منابع این منطقه نشئت می‌گیرد (Extavour, 2012: 213).

در مورد دعوی کیفری و مدنی کشتی‌های جنگی و دولتی که برای مقاصد غیرتجاری مورد استفاده قرار می‌گیرند، «کنوانسیون آکتائو»، اظهار می‌دارد که: «هیچ چیز در این کنوانسیون به مصونیت کشتی‌های جنگی و کشتی‌های دولتی که برای مقاصد

محدودیت‌هایی مواجه هستند. در این خصوص می‌توان به خودداری از تاخیر یا انکار غیر موجه در صدور مجوزها اشاره کرد. «کنوانسیون آکتائو»، در این رابطه اظهار می‌دارد که: «در اتخاذ تصمیم در مورد صدور مجوزهای انجام تحقیقات علمی دریایی مربوط منابع زنده آبی، نباید تاخیر یا انکار غیرموجهی وجود داشته باشد.» (Convention on the Legal Status of the Caspian Sea, 2018, art. 13. para.4. این مقررہ قراردادی از ابتکارات «کنوانسیون آکتائو» است.

۴-۲- صلاحیت قضایی در منطقه ماهیگیری دریای خزر

صلاحیت قضایی در مقایسه با صلاحیت تقنینی در «کنوانسیون آکتائو» چندان مورد توجه قرار نگرفته است. «کنوانسیون آکتائو» در این خصوص به ذکر یک مقررہ کلی اکتفا کرده است. مطابق این کنوانسیون، «هر طرف بر کشتی‌های تحت پرچم خود در دریای خزر اعمال صلاحیت خواهد کرد.» (Convention on the Legal Status of the Caspian Sea, 2018, art. 12. هر چند سیاق مقررہ فوق بر این امر دلالت دارد که دولت صاحب پرچم نسبت به دعاوی مربوط به کشتی در مناطق دریایی از جمله منطقه ماهیگیری از صلاحیت کیفری و مدنی برخوردار است اما این سؤال باقی است که آیا صلاحیت دولت صاحب پرچم در این خصوص مطلق است؟ با توجه به اینکه در معاهدات قبلی ناظر به حقوق دریای خزر نیز به این سؤال پاسخ داده نشده است، راهکار مناسب رجوع به قواعد عمومی حقوق دریاها است.

از آن جا که مطابق ماده ۵۸ «کنوانسیون حقوق دریاها»، قواعد دریای آزاد در مورد منطقه انحصاری اقتصادی اعمال می‌گردد اصولاً در دعاوی حقوقی و کیفری، دولت صاحب پرچم صلاحیت قضایی خواهد داشت [۲۸]. از این رو گسترش صلاحیت قضایی دولت ساحلی به این منطقه با اتکا به قوانین داخلی، برخلاف بایسته‌های کنوانسیون است. دولت ساحلی در منطقه انحصاری اقتصادی تنها دارای حقوق حاکمیتی برای اکتشاف و استخراج حفاظت و مدیریت منابع طبیعی زنده و غیر زنده سطح آب، بستر و زیر بستر آن است. از این منظر، دولت ساحلی مجاز به دخالت در امور حقوقی و کیفری کشتی‌های خارجی در منطقه انحصاری اقتصادی نیست؛ ولو اینکه این منطقه در سایر حوزه‌ها تحت حاکمیت وی باشد [۲۹].

مطابق بند ۱ ماده ۹۷ «کنوانسیون حقوق دریاها»، «در صورت تصادف یا هر حادثه دریانوردی دیگر مربوط به کشتی در دریای آزاد، که در آن مسئولیت کیفری یا انضباطی ناخدا یا هر فرد دیگر مشغول به خدمت در کشتی مطرح می‌شود، هیچ رسیدگی کیفری یا انضباطی بر علیه این اشخاص، نمی‌تواند صورت گیرد مگر در مقابل مقام‌های قضایی یا اداری دولت صاحب پرچم یا دولتی که آن شخص تبعه آن است». این مقررہ پیش‌تر در بند ۱ ماده ۱۱ کنوانسیون ۱۹۵۸ دریای آزاد انعکاس یافته است. در فرض صلاحیت موازی بین دولت صاحب پرچم با دولتی که شخص بزهکار تبعه آن را دارد، ارجحیت با دولت صاحب پرچم کشتی است [۳۰].

است. دیوان بین المللی حقوق دریاها در رابطه با اقدام دولت روسیه در متوقف کردن کشتی آرکتیک سانرایز که خدمه آن به منظور حفاظت از محیط زیست و با استناد به حق اعتراض مسالمت آمیز مانع فعالیت تاسیسات دکل استخراج نفت شده بودند چنین بیان کرد که که اعتراض مسالمت آمیز در دریاها ممکن است منجر به اختلال در آزادی دریانوردی شود. ولی این اعتراض در سطح دریاها باید به نحوی از سوی دولت ساحلی مدیریت شوند که منتهی به مداخله در اعمال صلاحیت در امور حاکمیتی دولت صاحب پرچم نشود [۱۶].

۴-۳- صلاحیت اجرایی در منطقه ماهیگیری دریای خزر

یکی از جلوه‌های بارز اعمال صلاحیت اجرایی دولت ساحلی، تعلیق یا توقف تحقیقات علمی دریایی است. «کنوانسیون آکتائو» در این خصوص اعلام می‌دارد که: «طرفی که اجازه تحقیقات علمی دریایی صادر کرده است، حق دارد در یکی از موارد زیر خواستار تعلیق یا توقف آن گردد: الف) فعالیت‌های تحقیقاتی طبق اطلاعات ارائه شده که مبنای صدور مجوز بوده است، انجام نشود؛ ب) فعالیت‌های تحقیقاتی به گونه‌ای انجام شود، که شرایط مقرر شده را نقض کند؛ پ) قصور در رعایت یکی از مفاد این ماده در اجرای پروژه تحقیقاتی؛ ت) تعلیق یا توقف مزبور برای تضمین امنیت آن طرف حیاتی باشد» [۶]. این مقرر از ماده ۲۵۳ «کنوانسیون حقوق دریاها» اقتباس گردیده است. البته «کنوانسیون آکتائو»، دامنه صلاحیت اجرایی دولت‌ها را وسعت بخشیده است. براین اساس دولت‌های ساحلی خزر، از صلاحیت تعلیق یا توقف تحقیقات علمی دریایی به منظور تضمین امنیت خود نیز بهره‌مند هستند.^۴ هر چند از یک طرف به نظر می‌رسد چنین مقرر ای در راستای اصل احترام به حاکمیت، تمامیت ارضی، استقلال و برابری حاکمیت دولت ساحلی^۵

در این قضیه کشتی بین المللی صلح سبز با نام تجاری «آرکتیک سانرایز» که تابعیت هلند را دارد با وجود اخطار گشت ساحلی روسیه مبنی بر خطرناک بودن دریانوردی در

منطقه ای با شعاع ۳ مایل دریایی و نیز ممنوعیت دریانوردی در منطقه امن با شعاع ۵۰۰ متر به تاسیسات مستقر در این منطقه، در ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۳ با هدف نشان دادن مخالفت خود با استخراج نفت در اقیانوس شمالی در نزدیکی سکوی نفتی «پریازلومنایا» پهلو گرفت. ۵ قایق بادی از کشتی سانرایز به آب انداخته شدند. دو قایق بلافاصله مسیر سه مایلی دریایی را به سمت تاسیسات دریایی سکوی نفتی طی کردند و وارد منطقه ایمن شدند. دو تن از فعالان زیست محیطی با استفاده از طناب به سکوی نفتی صعود و تلاش کردند با مداخله فیزیکی فعالیت تاسیسات دکل استخراج نفت را متوقف کنند تا با این اقدام توجه جامعه بین الملل را به خطرات زیست محیطی فعالیت های دولت ساحلی در این منطقه جلب کنند. گارد ساحلی بلافاصله با اخذ مجوز از دادگاه بندر مورمانسک به دستگیری کلیه فعالان زیست محیطی و توقیف کشتی آن‌ها پرداخت. در این راستا دولت هلند ۲ تقاضای رسیدگی به اختلاف فی مابین با دولت روسیه را یکی در دیوان داوری و دیگری در دیوان بین المللی حقوق دریاها مطرح می‌کند (صالحی، ۱۳۹۶: ۲۵-۲۴).

^۴ البته باید خاطر نشان کرد که برخلاف «کنوانسیون آکتائو» در ماده ۲۵۳ «کنوانسیون حقوق دریاها» به پیامدهای توقف یا تعلیق تحقیقات علمی دریایی اشاره شده است.

^۵ . ر.ک، به ماده ۳ «کنوانسیون آکتائو»

غیرتجاری مورد استفاده قرار می‌گیرند، خدشه‌ای وارد نمی‌سازد»^۱ این مقرر عیناً از ماده ۳۲ «کنوانسیون حقوق دریاها» اقتباس شده و بر عدم صلاحیت کیفری و مدنی دولت ساحلی خزر به دلیل برخورداری این کشتی‌ها از مصونیت دلالت دارد. همچنین ماده ۳ «کنوانسیون بین‌المللی بروکسل در زمینه یکنواخت‌سازی برخی قواعد مربوط به مصونیت‌های کشتی‌های دولتی»^۲، اظهار می‌دارد که: «کشتی‌های جنگی، کشتی‌های دولتی نظیر کشتی‌های گشتی، گمرگی، بهداشتی و غیره به دلیل برخورداری از مصونیت نباید مورد توقیف، ضبط و هر گونه رسیدگی قضایی قرار گیرند». البته براساس کنوانسیون ۲۰۱۸ پیشگیری از حوادث در دریای خزر که با هدف تضمین امنیت دریانوردی دولت‌ها در فراسوی محدوده‌های خارجی آب‌های سرزمینی منعقد شده، کشتی‌های جنگی طرف‌ها متعهد به رعایت یک سری تعهدات بین‌المللی از جمله تعهدات مندرج در کنوانسیون ۱۹۷۲ پیشگیری از برخورد در دریا؛ تعهدات مربوط به کنوانسیون پیشگیری، کاهش و کنترل آلودگی دریای خزر از هر منبع آلوده کننده؛ تعهدات مربوط به منع توسل و تظاهر به حمله علیه یکدیگر؛ تعهدات مربوط به عدم ممانعت از عبور یکدیگر و غیره هستند [۳، ۳۲]. در نهایت باید اذعان کرد که مطابق حقوق بین‌الملل عرفی همه کشتی‌های تحت اداره دولت و نیز کشتی‌های جنگی از مصونیت کامل برخوردار هستند و در صورت نقض قوانین دولت ساحلی توسط آن‌ها، دولت صاحب پرچم در برابر آن دولت مسئولیت بین‌المللی خواهد داشت. البته برخورداری این کشتی‌ها از مصونیت به معنای عدم مسئولیت آن‌ها در برابر دولت صاحب پرچم نیست.

هر چند اعمال صلاحیت قضایی دولت ساحلی در مواردی نظیر بند ۱ ماده ۲۲۰ کنوانسیون حقوق دریاها پذیرفته شده است اما اعمال صلاحیت قضایی دولت ساحلی در منطقه انحصاری اقتصادی با خلأهای جدی مواجه است. دولت ساحلی برای جلوگیری از تحرکات مشکوک کشتی‌های خارجی در این منطقه محدودیت‌هایی را ایجاد می‌کند که الزاماً با قوانین بین المللی مطابقت دارند. لیکن اعمال صلاحیت قضایی دولت ساحلی در خصوص نقض قوانین کیفری داخلی در منطقه انحصاری اقتصادی با تردیدهایی مواجه است، در جایی که عامل مجرمانه از اتباع وی نیست یا اینکه رفتار مجرمانه در قالب عنوان مجرمانه دزدی دریایی قرار نمی‌گیرد، چرا که اعمال صلاحیت دولت ساحلی بر امور کشتیهای خارجی دارای قصد اختلال در فعالیت‌های تاسیسات فراساحلی یا دستگاه‌های حفاری آن در تعارض با اصل صلاحیت دولت صاحب پرچم است [۳۳] این وضعیت در دیوان داوری و دیوان بین المللی حقوق دریاها در قضیه «آرکتیک سانرایز»^۳ میان دولت روسیه و هلند اخیراً به آزمون گذاشته شده

^۱ . Convention on the Legal Status of the Caspian Sea, *op. cit.*, Article 12(4).

^۲ . Brussels International Convention for the Unification of Certain Rules Concerning the Immunity of State-Owned Ships, 1926

^۳ . Arctic Sunrise

اقدام‌های اجرایی قسمت اخیر، مطابق ماده ۲۲۴ «کنوانسیون حقوق دریاهای»، باید توسط مقام‌های رسمی یا کشتی‌ها و هواپیماهای جنگی و دولتی اعمال گردد. مقرره اخیر به عنوان یک اصل کلی حقوقی پذیرفته شده و نه تنها در خصوص بخش ششم «کنوانسیون حقوق دریاهای» در رابطه با اجرا بلکه در رابطه با سایر بخش‌های کنوانسیون مزبور نیز اعمال می‌گردد [۳۵]. البته باید توجه داشت که چنین صلاحیتی به طور مطلق نبوده و در مواردی با محدودیت‌هایی همراه است. ماده ۲۲۵ «کنوانسیون حقوق دریاهای»، در این خصوص اظهار می‌دارد: «در اعمال اختیارات اجرایی خود علیه کشتی‌های خارجی تحت این کنوانسیون»، دولت‌ها نباید ایمنی دریانوردی را به مخاطره بیندازند، خطری برای کشتی ایجاد نخواهند کرد یا محیط زیست دریا را در یک خطر غیر متعارف قرار خواهند داد [۳۵].

در نهایت مطابق بند ۲ ماده ۶۱ «کنوانسیون حقوق دریاهای»، دولت ساحلی با توجه به بیشترین شواهد علمی در دسترس، از طریق اقدام‌های حفاظتی و مدیریتی مناسب اطمینان حاصل خواهد کرد که ذخایر موجودات زنده منطقه انحصاری اقتصادی با صید بیش از حد به مخاطره نمی‌افتند [۳۶]. «کنوانسیون آکتائو» نیز اذعان می‌دارد که «هر طرف به منظور اعمال... حقوق انحصاری خود در برداشت منابع زنده آبی و همچنین به منظور حفظ و مدیریت چنین منابعی در منطقه ماهیگیری خود، می‌تواند تدابیری در خصوص کشتی‌های سایر طرف‌ها، شامل سوار شدن بر آن‌ها، بازرسی، تعقیب فوری، بازداشت، توقیف و رسیدگی قضایی که ممکن است برای تضمین رعایت قوانین و مقررات آن ضروری باشد، اتخاذ نماید» (Convention on the Legal Status of the Caspian Sea, 2018, art. 12. para. 3). در هر صورت اعمال تدابیر اجرایی توسط دولت‌های ساحلی دریای خزر علیه کشتی‌های متخلف صیادی به رسمیت شناخته شده است. البته دولت صاحب پرچم نیز متعهد به اعمال کنترل موثر روی کشتی‌های حامل پرچم خود است که در منطقه انحصاری اقتصادی یا منطقه ماهیگیری، ماهیگیری می‌کنند. [۱۶]

و تحقیقات علمی دریایی در منطقه ماهیگیری، صلاحیت تقنینی دولت ساحلی را در موارد خاصی پذیرفته باشند. البته این صلاحیت در منطقه ماهیگیری به موجب ماده ۱۳ «کنوانسیون آکتائو» و ماده ۱۱ «کنوانسیون منابع زنده آبی خزر»، با محدودیت‌هایی همراه می‌باشد.

در رابطه با صلاحیت قضایی دولت‌های ساحلی دریای خزر در این دریا، به نظر می‌رسد «کنوانسیون آکتائو» در ماده ۱۲، اصل صلاحیت دولت صاحب پرچم را به طور کلی در مناطق دریایی مختلف از جمله منطقه ماهیگیری پذیرفته است. در نتیجه دولت ساحلی صرفاً در موارد استثنایی تصریح شده در حقوق بین‌الملل از

در نظر گرفته شده است اما از طرف دیگر دولت ساحلی را از قدرت تبعیضی بهره‌مند می‌سازد. در هر صورت کنکاش در اسناد و رویه بین‌المللی نشان می‌دهد که تعلیق یا توقف و حق مشارکت یا داشتن نماینده در تحقیقات علمی دریایی در منطقه انحصاری اقتصادی از ابتکارات «کنوانسیون حقوق دریاهای» بوده و در نتیجه صرفاً یک قاعده قراردادی است که در کنوانسیون آکتائو تکرار شده است.

«کنوانسیون آکتائو»، در خصوص صلاحیت اجرایی دولت ساحلی در دعاوی کیفری و مدنی مقرره‌ای ندارد. در حقوق بین‌الملل دریاهای صلاحیت اجرایی دولت ساحلی در دعاوی کیفری در مواردی پذیرفته شده است. مطابق بند ۵ ماده ۲۲۰ «کنوانسیون حقوق دریاهای»، «در مواردی که دلایل روشنی بر این باور وجود دارند که یک کشتی در حال دریانوردی در منطقه انحصاری اقتصادی با نقض قواعد و استانداردهای بین‌المللی قابل اعمال برای جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی از کشتی‌ها یا قوانین و مقررات آن دولت که منطبق با این قواعد و استانداردهای بین‌المللی وضع شده و به آن‌ها تاثیر و اعتبار بخشیده‌اند، منجر به تخلیه زباله قابل توجه و موجب آلودگی یا تهدید به آلودگی مهم محیط زیست دریا گردیده، آن دولت می‌تواند اگر کشتی از ارائه اطلاعات خودداری کرده یا اگر اطلاعات ارائه شده توسط کشتی آشکارا با وضعیت واقعی آن تفاوت دارد و اگر اوضاع و احوال پرونده، چنین بازرسی را توجیه می‌نماید، کشتی را برای موضوع‌های مربوط به نقض بازرسی فیزیکی نماید». بنابراین در صورتی که کشتی در منطقه انحصاری اقتصادی با نقض قواعد و استانداردهای بین‌المللی منجر به تخلیه زباله قابل توجه و موجب آلودگی یا تهدید به آلودگی مهم محیط زیست دریا گردد، دولت ساحلی می‌تواند صلاحیت اجرایی خود را نسبت به کشتی مزبور اعمال نماید [۳۴]. البته به نظر می‌رسد کاربرد عبارت‌های تفسیربرانگیز «تخلیه زباله قابل توجه» و «تهدید به آلودگی مهم محیط زیست» از یکسو و نامشخص بودن معیار تشخیص تخلیه زباله قابل توجه از تخلیه زباله غیر قابل توجه و تهدید به آلودگی مهم محیط زیست از تهدید به آلودگی غیر مهم محیط زیست از سوی دیگر باب سوء استفاده از صلاحیت را برای دولت ساحلی بگشاید و بالمآل تضييع حقوق سایر دولت‌ها را به دنبال داشته باشد.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالعات صورت‌گرفته چنین استنباط می‌گردد که مطابق ماده ۱۲ «کنوانسیون آکتائو» دولت‌های ساحلی دریای خزر در منطقه ماهیگیری این دریا در مواردی تنها «حق حاکمه یا حق اولویت» دارند. به عبارت دیگر در این منطقه، دولت ساحلی و سایر دولت‌ها حاکمیت ندارند، بلکه ضروری است تا «صلاحیت تقنینی» دولت ساحلی در این منطقه مطابق کنوانسیون مشخص گردد. براین اساس به نظر می‌رسد مواد ۹ و ۱۳ «کنوانسیون آکتائو» با به رسمیت شناختن حقوق انحصاری در برداشت، حفظ و مدیریت منابع زنده آبی

اصول و اهداف «کنوانسیون آکتائو» است را نمی توان به این دریا تسری داد مثلاً اصل آزادی کشتیرانی توسط کلیه کشورها در منطقه انحصاری و اقتصادی را نمی توان به دریای خزر تسری داد چرا که مطابق «کنوانسیون آکتائو» این آزادی صرفاً مختص دولت های ساحلی دریای خزر است. دوم: مقررات و اصول حقوق بین الملل به طور خودکار قابل اعمال به دریای خزر نیست. چرا که دریای خزر به عنوان دریا تلقی نمی گردد در نتیجه مقررات و اصول حقوق بین الملل در مورد این دریا اعمال نمی گردد مگر اینکه کلیه دولت های ساحلی دریای خزر با اعمال مقررات و اصول حقوق بین الملل نسبت به این دریا موافقت نمایند. [۳۷-۵۱]

مشارکت نویسندگان

سید یاسر ضیایی: ناظر و همکار تحقیق

مهدی کیخسروی: ایده پرداز و نویسنده اصلی تحقیق

تعارض منافع

هیچ گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

صلاحیت قضایی برخوردار است. با پذیرش صلاحیت قضایی دولت ساحلی به عنوان یک اصل حقوقی، دایره صلاحیتی دولت ساحلی محدودتر می گردد چرا که حتی در موارد تردید در شمول امری در حوزه صلاحیت قضایی دولت صاحب پرچم، صلاحیت قضایی دولت صاحب پرچم، استصحاب و فقدان صلاحیت قضایی دولت ساحلی، احراز می گردد. در مورد صلاحیت اجرایی نیز با توجه به اینکه این صلاحیت در اکثر موارد تابع صلاحیت قضایی است، در نتیجه اصل صلاحیت دولت صاحب پرچم پذیرفته شده و دولت ساحلی صرفاً در موارد استثنایی نظیر ماده ۱۳ «کنوانسیون آکتائو» از صلاحیت اجرایی برخوردار است.

به نظر می رسد در مواردی که «کنوانسیون آکتائو» در حوزه های صلاحیتی اعم از صلاحیت تقنینی، صلاحیت قضایی و صلاحیت اجرایی با خلأ معاهداتی مواجه است، بهترین پیشنهاد جهت برطرف نمودن این خلأها تسری مقررات و اصول حقوق بین الملل اعم از مقررات قراردادی، مقررات عرفی و اصول کلی به نظام حقوقی دریای خزر است چرا که هم رویکرد صلاحیتی «کنوانسیون آکتائو» در منطقه ماهیگیری مشابه رویکرد مقررات و اصول حقوق بین الملل است و هم کنوانسیون آکتائو در مقدمه و متن، مقررات حقوق بین الملل را مبنا قرار داده و به انعکاس مقررات و اصول مزبور مبادرت نموده است. البته در اعمال مقررات و اصول مزبور به دو نکته باید توجه داشت: نخست آنکه آن دسته از مقررات و اصولی که مغایر با

References

1. The Alma-Ata Declaration. 1991.
2. Gharibov A. KEY DISPUTES REMAIN UNSETTLED IN THE CASPIAN SEA DESPITE THE SIGNING OF THE CONVENTION ON LEGAL STATUS. Institut Für Europäische politik, Berlin, Germany. 2019:4.
3. Krasnova I. Russian Federation, Oxford University Press, Oxford, United Kingdom 2020.
4. Sadatian SJ. Caspian Sea Legal Regime and National Security of the Islamic Republic of Iran. J Nation Secur. 2020;34:311-45.
5. Yazdan Panah K, Zarei B, Vasegh M, Dehghan F. Iran's share of the Caspian Sea remains in a state of ambiguity, New attitudes in Human Geography. 2020;12:423-40.
6. Convention on the Legal Status of the Caspian Sea. 2018.
7. Najafi A, PashaPour H. Geoeconomics of the Caspian Sea (Case study of caviar) Quarterly bulletin of Greater Khorasan. 2015;18:93-105.
8. Salehi JA. Submarine Pipelines in Conflict of the Coastal State's Sovereign Right's in the Exclusive Economic Zone and Continental Shelf. J Res Energy Law Stud. 2021;4.
9. Aminroaya Y. Scientific Research in Maritime Exclusive Economic Zone. J Foreign Polic. 2012;3:777-800.
10. Mazen A. The Application of the Law of The and the Convention on the Mediterranean Sea, Division for Ocean Affairs and the Law of the Sea Office of Legal Affairs, The United Nations, New York, United States 2010.
11. Vargas JA. Mexico and the Law of the Sea: Contributions and Compromises, Leiden, BRILL Publishers. 2011:365. doi: 10.1163/ej.9789004206205.i-544
12. Hakkakzade MRA, Bozorg Doagoo. Exploring the Challenges and Solutions of Legal Regime of the Caspian Sea. Sci Reaserach J Rahord. 2016;78:161-89.
13. Karbuz S. THE LEGAL STATUS OF THE CASPIAN SEA: IMPLICATIONS ON CASPIAN RESOURCES DEVELOPMENT AND TRANSPORT, International Journal of Energy Studies, 2, Istanbul, Turkey 2016.
14. Agreement on the conservation and sustainable use of aquatic biological resources of the Caspian Sea. 2014.
15. Seyrafi S. Expert Meeting about Caspian Sea, delimitation of maritime areas, geopolitics. University of Tehran 2018.
16. Salehi J. Advisory Opinion of the International Tribunal for the Law of the Sea; Manifestation of Flag State Obligations on Illegal Fishing by Vessels Flying its Flag in the Exclusive Economic Zone of Third State.

- J Oceanograph. 2017;28:1-12. [doi: 10.18869/acadpub.joc.7.28.1](#)
17. Wang James CF. Handbook on Ocean Politics & Law, Greenwood Publishing Group. 2015.
18. Salehi J. Prevention and Compensation the Damages Caused by Sea Environmental Pollution and Illegal Fishing its Live Resources. J Biosafet. 2014;2:11-20.
19. Abdul Kadir R. Introductory Note to Convention on the Legal Status of the Caspian Sea, The American Society of International Law, New York, United States 2019. 399-413 p.
20. Muller D, Betanely K. The new Convention on the Legal Status of the Caspian Sea: New Opportunities and New Challenges, Freshfields Bruckhaus Deringer LLP. 2018. Available from: <https://www.lexology.com/library/detail.aspx?g=f09d9201-9384-499e-a6d8-9d248d8d7a0f>.
21. Ziaie Bigdeli MR. Public International law, Ganj Danesh Publishers, Tehran, Iran. 2020:351.
22. Hatamzade E. The Legal Status of the Caspian Sea "Common Waters, Divided Bottom", Caspian Affairs Magazine. 2019;2:1-18.
23. Dux T. Specially Protected Marine Areas in the Exclusive Economic Zone (EEZ): The Regime for the Protection of Specific Areas of the EEZ for Environmental Reasons Under International Law, LIT Verlag Münster. Münster, Germany. 2011:482.
24. GuLiev IA, Zeynalova G. Legal Status of the Caspian Sea: New Challenges for Energy Policy and Diplomacy, Atlantis Press, Moscow, Russia 2018.
25. Vrancken PHG. South Africa and the Law of the Sea, Martinus Nijhoff Publishers, Leiden, Netherlands. 2011:180.
26. Madani SZ. Areas of Interrelation between Marine Scientific Research and Marine Environmental Protection: An International Legal Approach. J Oceanograph. 2012;3:91-9.
27. Quince C. The Exclusive Economic Zone, Vernon Press, Vernon, Canada 2019.
28. Ziaee SY. State Jurisdiction in International Law, Shahre Danesh Publishers, Tehran, Iran. 2017:309.
29. Salehi J. Jurisdiction in the International Law of the Sea in Conflict between Right to Protection of Offshore Facilities and Freedom of Navigation. J Oceanograph. 2018;32:21-30. [doi: 10.29252/joc.8.32.21](#)
30. Churchil R, Lowe A. The Law of The Sea, translator: Aghai, B. Ganj Danesh Publishers, Tehran, Iran 2014.
31. Bavand H, Nejat, S. A., Farshchi P. Environmental challenges in the Caspian Sea and international responsibility of its littoral states. Caspian J Environ Sci. 2018:97-110.
32. Agreement on Prevention of Incidents in Caspian Sea. Art 3 & 4. 2018.
33. Salehi JB. Coastal State's Criminal Jurisdiction in Affairs of Foreign Ships in International Judicial Procedure, Public Law Studies Quarterly. 2021;4:1607-22.
34. Sage-Fuller B. The Precautionary Principle in Marine Environmental Law: With Special Reference to High Risk Vessels, Routledge Publishers, Abingdon-on-Thames, United Kingdom 2013.
35. Ziccardi Capaldo G. The Global Community Yearbook of International Law and Jurisprudence 2015, Oxford University Press. Oxford, United Kingdom 2016.
36. Schwabach A, John CocKfield A. International law and Institutions, EOLSS Publications, London, United Kingdom. 2010:217.
37. Bernard L. The Effect of Historic Fishing Rights In Maritime Boundaries Delimitation, Law of the Sea Institute Conference Papers, Berkeley, United States 2012.
38. Brownlie I. Brownlies Principles of Public International Law, Mofid University Press, Qom, Iran. 2017.
39. Brussels International Convention for the Unification of Certain Rules Concerning the Immunity of State-Owned Ships. 1926.
40. Gao Q, Sun R, Fu E, Jia G, Xiang Y. Parent-child relationship and smartphone use disorder among Chinese adolescents: The mediating role of quality of life and the moderating role of educational level. Addict Behav. 2020;101:106065. [doi: 10.1016/j.addbeh.2019.106065](#) [pmid: 31543219](#)
41. International Tribunal for the Law of the Sea. Reports of Judgments, Advisory Opinions and Orders / Recueil des arrêts, avis consultatifs et ordonnances, Brill Publishers, Leiden, Netherlands 2015.
42. Madani SZ. The Consequences of the Legal Regime of Marine Scientific Research on Marine Sciences in the 1982 Convention on the Law of the Sea. J Oceanograph. 2013;4:61-72.
43. Mohammadi D. Surveying the rights of coastal communities and the right to exploit aquatic reserves. Univ Tehrans Sci J Datase. 2019;4:357-65.
44. Molenaar EJ. New Maritime Zones and the Law of the Sea, koninklijke brill nv, Leiden, Netherlands. 2015.
45. Salehi J. Criminal Jurisdiction of the Coastal State, Based on Domestic Laws in Conflict with the Jurisdiction of the Flag State, Criminal Law Doctorines. 2018;16:187-222.
46. Salehi J. Legal Structure of Biodiversity Conservation and Exploitation of the Area's Marine Genetic Resources. J Oceanograph. 2020;40:39-44. [doi: 10.52547/joc.10.40.39](#)
47. Seyrafi S, Mousavi SF, Firouzpour K. Conservation of Marine Biological Diversity in Areas Beyond National Jurisdiction. Pub Law Stud Quarter. 2020;3:939-66.
48. Ellis SL, Rodan I, Carney HC, Heath S, Rochlitz I, Shearburn LD, et al. AAFP and ISFM feline environmental needs guidelines. J Feline Med Surg. 2013;15(3):219-30. [doi: 10.1177/1098612X13477537](#) [pmid: 23422366](#)
49. Treaty of Commerce and Navigation. Art. 12. Para. 3. 1940.

50. Wallace R. International Law, Sweet & Maxwell, London, United Kingdom 2011.
51. Zamani SG, Mohamadi M, Hosseini SA. The Evolution of International Legal Regime for the

Protection of Marine Environment against Land-Based Pollutants from Montego Bay to Cartagena. J Oceanography. 2015;21:37-48.

AUTHOR(S) BIOSKETCHES

Seyed Yaser Ziaee, Associate Professor, International Law Department, University of Qom, Qom, Iran

✉ yaserziaee@gmail.com

 0000-0003-0649-5318

Mahdi Keykhosravi, Ph.D. in International Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran

✉ mahdikeykhosravi@gmail.com

 0000-0003-2638-0710



HOW TO CITE THIS ARTICLE

Citation (Vancouver) Ziaee SY, Keykhosravi M. Study of the Convention on the Legal Status of the Caspian Sea: Jurisdiction of Coastal States in the Fishery Zone. J Oceanography. 2022; 12(48): 93-107.

 <http://doi.org/10.52547/joc.12.48.93>

 <http://joc.inio.ac.ir/article-1-1498-fa.html>

 <https://orcid.org/0000-0003-0649-5318>



COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.